

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

۶۶

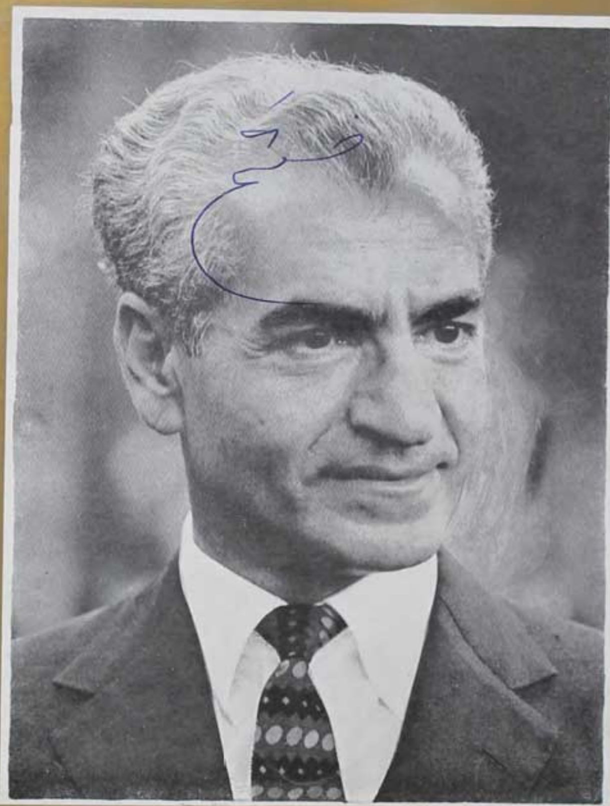
# تاریخ بناکتی

روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب

بکوشش

دکتر جعفر شعار

تهران ۱۳۴۸





سلسله انتشارات انجمن آثار ملی
۶۶

# تاریخ بناکتی

روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ والانساب

به کوشش
دکتر جعفر شعار

تهران ۱۳۴۸

از این کتاب تعداد ۲۰۰۰ نسخه درچاپخانه داورپناه چاپ گردید
صحافی: چاپخانه بهمن
شماره ثبت دردفتر مخصوص کتابخانه ملی ۶۵۵ مورخ ۱۴/۸/۴۸

سرآغاز

# به نام پروردگار بخشنده بخشایشگر

پس از سپاس بی پایان به درگاه خدای بزرگ بیهتا و درود فراوان بر پیامبر جهانیان و سرور برگزیدگان حضرت محمد مصطفی (ص)

در پرتو الطاف و عنایات شهریار دادگستر و دانش پرور اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران، که موجد دورانی تازه و تحولی شگرف در تاریخ چندهزار ساله سرزمین عزیز میهن است ، نشریه کنونی مشتمل بر یکی از بهترین متنهای تاریخی از آثار شیوای ادب ایران در اوایل سده هشتم هجری به اختیار دوستداران فرهنگ و تاریخ گذارده میشود .

درباره چگونگی کتاب و فایده و امتیازهای آن در مقدمه جامعی که بقلم آقای دکتر جعفر شعار محقق و مصحح ارجمند کتاب نوشته شده توضیحات لازم آمده است .

خوانندگان گرامی خود به نکات و مطالب آن توجه خواهند فرمود . در اینجا سخن را کوتاه کرده با سپاسگذاری از استادان محترم آقایان مجتبی مینوی و دکتر خانبابا بیانی که برای به ثمر رسیدن کوششهای مربوط به چاپ و انتشار این کتاب همکاریهای ارزنده مبذول داشته اند این سرآغاز را پایان می بخشد .

انجمن آثار ملی

# فهرست مطالب

## قسم دوم



## قسم سوم

## قسم چهارم



## قسم پنجم

## قسم ششم



## قسم هفتم

## قسم هشتم

## قسم نهم

## فهرستها

به نام خدای توانا

# مقدمهٔ مصحح

دربارهٔ تاریخ عمومی جهان کتابهای بسیاری به عربی یا فارسی در دست است. این کتابهارا به دودستهٔ بزرگ می‌توان تقسیم‌کرد: یك دسته‌کتابهایی‌هستند که به نثر فنی و ادبی نگارش یافته‌اند و در واقع قصد مؤلفان در این نوع آثار تنها تاریخ نگاری نیست و غالباً مطالب در گرو صنایع لفظی و معنوی و تعقیدو تکلف قرارمی‌گیرد، از این قبیل است‌کتابهای جهانگشای جوینی، تاریخ وصاف، ترجمهٔ تاریخ یمینی، تاریخ المعجم، تاریخ اولجایتو، تاریخ ابن بی‌بی و در زمانهای اخیر حبیب‌السیر و روضة‌الصفا و درهٔ نادره و جزآن که برخی از اینها جزو متون کهن فارسی به شمار می‌آیند.

دستهٔ دیگر کتابهایی هستند که به نثر مرسل و ساده نگارش یافته‌اند و مؤلفان‌این‌کتب‌جز تاریخنویسی غرضی‌نداشته‌اند، ازاین‌قبیل است تاریخ‌گردیزی، مجمل‌التواریخ والقصص، تاریخ‌سیستان، تاریخ بیهقی، جامع‌التواریخ رشیدی و... پیداست که اینگونه کتب برای محققان سودمندتر و سهل الحصول خواهد بود. تحریر و ساده سازی برخی از کتب تاریخی متکلف که در زمان ما آغاز شده (از

قبیل تحریر تاریخ وصاف به قلم آقای عبدالمحمد آیتی) مؤید این مقال است .

از جملهٔ کتابهای دستهٔ اخیر ، تاریخ بناکتی کتاب حاضر است که نثری ساده و استوار دارد و در همهٔ صفحات و فصول کتاب این امر به چشم می‌خورد و نیازی به نقل مثال نیست .

**نام کتاب**

نام اصلی کتاب **« روضة اولی الالباب فی‌معرفة التواریخ و الانساب »** است که به **تاریخ بناکتی** ، به نام مؤلف ، شهرت یافته است . علامهٔ قزوینی در مقدمه جهانگشای جوینی «ج ۱ ، ص د» و نیز اقبال آشتیانی در تاریخ مفصل ایران، مغول «ص ۵۲۰» نام کتاب را « روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب » آورده‌اند، اما در نسخه های خطی موجود بجز «با» به صورت نخستین است .

**مؤلف**

مؤلف کتاب ، فخرالدین ابوسلیمان داود بن تاج الدین ابوالفضل محمدبن محمدبن داود البناکتی است. وی در یك مورد از خود چنین یاد می‌کند : «وجامع این تواریخ ابوسلیمان داود الملقب به فخر البناکتی که از جملهٔ دعاچیان آن حضرت (غازان خان) بود و به نظر رحمت و رأفت به حال این ضعیف نگریسته و به ملك الشعراء سیور غامیشی فرموده ، این قصیده در اردوی زرین به معرض عرض آورد و سیورغامیشی یافت و القصیدة هذه ... » (کتاب حاضر ، ص ۴۶۵ ) .

پدرش تاج الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن داود البناکتی است صاحب کتاب میسور در شرح مصابیح و نیز کتاب مصباح الضمیر من صحاح التفسیر ، که در صفر سال ۶۸۲ در گذشته است[۱] . برادری هم به نام سید نظام الدین علی داشته

۱ــ نقل از یادداشت استاد مجتبی مینوی بر پشت برگ اول از نسخهٔ خطی متعلق به کتابخانهٔ شخصی خود .

است که از عرفای مشهور تبریز و شاعر بود. وی در ماه رجب از سال ۶۹۹ ه ق. وفات یافت[۱]. قصیده‌ای از او در همین کتاب (ص ۴۶۲) آمده است به این مطلع:

الا ای خسرو صاحب معانی    که بادت عمر دولت جاودانی

داود بناکتی مؤلف کتاب از شهر بناکت[۲] یا بناکث[۳] است که شهری بوده بر کنار رود سیحون واقع در ماوراءالنهر[۳]. یاقوت گوید: بناکت شهر بزرگی است ودانشمندانی از آنجا برخاسته‌اند. نگارندهٔ این تاریخ از ادیبان و شاعران[۴] عهد غازان واولجایتو و ابوسعید بود و در دستگاه غازان خان سمت ملك‌الشعرایی داشت[۵]. وی پس از سال ۷۱۷ ه ق. که سال پایان یافتن تاریخ اوست سیزده سال دیگر زنده بوده و سرانجام به سال ۷۳۰ ه ق. درگذشته است[۶]. در مآخذ موجود کتاب دیگری جز دیوان شعرش[۶] از او یاد نشده.

از جملهٔ اشعاری که فخر بناکتی سروده است، دو قصیده درمدح غازان‌خان در کتاب حاضر آمده، نخستین به مطلع:

دوش از بحر معانی از بنان در بیان    کردپیدا منطقی آن طوطی شکر فشان[۷]

و دیگری به مطلع:

شکر یزدان را که از تأیید دور آسمان

یافت صحت ذات پاك خسرو صاحب قران[۸].

و دولتشاه (تذکره، ص ۱۰۰) غزلی به مطلع زیر از وی آورده است:

باز این عتاب جانان باما چراست گویی    پیمان وعهد ایشان باد هواست گویی

**اهمیت کتاب**

موضوع کتاب تاریخ عمومی عالم است از خلقت آدم تا جلوس ابوسعیدخان

---

۱ـ رك: همین کتاب، ص ۴۶۲. ۲ـ به فتح با و کسر کاف (معجم البلدان).

۳ـ رك: ترجمهٔ صورة الارض، جعفر شعار، ص ۲۴۶. ۴ـ رك: فرهنگ سخنوران، دکتر خیامپور، ذیل فخر بناکتی. ۵ـ رك: اقبال آشتیانی، تاریخ مفصل ایران، (مغول) ص ۵۲۰. ۶ـ رك: اسماء المؤلفین، اسماعیل باشا، ۱: ۳۶۰ واستوری ۱: ۷۹.

۷ـ همین کتاب، ص ۴۶۵. ۸ـ همین کتاب، ص ۴۶۸.

و در شوال سال ۷۱۷ ﻫ ق . تألیف آن انجام یافته ، چنانکه عبارت « و این زمان که شهور سنهٔ سبع‌عشر و سبعمائهٔ (۷۱۷) هجری است ...» مندرج در جای جای از همین کتاب[۱] تردیدی در این معنی باقی نمی‌گذارد .

بناکتی در تألیف این تاریخ از چند کتاب تاریخی خاصه جامع التواریخ رشیدی بهره برده ، وی می‌گوید : «در خاطر آمد که در علم تواریخ وانساب . . . کتابی سازیم ... و شطری از اقوال و احوال و حکایات ایشان که در هر کتابی دیده و از هر مورخی و نسابه‌ای شنیده و تفحص بلیغ نموده بتخصیص از کتاب جامع‌ـ التواریخ ... بروجه ایجاز باز نمایم «ص ۱» . علامهٔ قزوینی گوید : « [ مؤلفان ] تاریخ گزیده و تاریخ بناکتی و روضة الصفا وحبیب السیر و سایر تواریخ متأخره جمیعاً فصول بسیار ازجهانگشا را درکتب خودنقل نموده‌اند ... »[۲] اما ظاهراً نقل مطالب جهانگشا به طور غیر مستقیم ازطریق جامع التواریخ صورت‌گرفته است.

این کتاب که به تاریخ بناکتی شهرت دارد ، برخلاف تواریخ دیگراسلامی مانند جامع التواریخ ، شامل شرح بالنسبه مبسوط دقیق است از احوال ملل غیر مسلمان مثل یهود و عیسویان و هنود و چینی‌ها و مغول (رك: فهرست‌کتاب)، و مؤلف علاوه بر اطلاعاتی که در این باب از جامع التواریخ استخراج کرده ، چون خود در دربار ایلخان عظیم الشأنی مثل غازان سمت ملك الشعرایی‌داشته ، ازاو و سایر مقیمان درباراطلاعات دیگری نیزکسب‌کرده و به همین جهت‌کتاب او با وجود صغر حجم از تواریخ معتبر عهد مغول است[۳] .

در اینجا تذکار این نکته را لازم می‌داند که به عقیدهٔ نگارنده یکی از کارهای مهم در راه تدوین تاریخ جامع و مستدل ایران‌که مدتهاست به اندیشهٔ آن

---

۱ـ از جمله ص ۳۹۷ . ۲ـ مقدمهٔ جهانگشای جوینی ۱ : ف . ۳ـ رك : تاریخ مفصل ایران ، مغول ، ص ۵۲۰ .

هستند احراز منابع و مآخذ معتبر تاریخی است و این منابع به عربی یا فارسی است . مطالب مربوط به تاریخ ایران در منابع عربی هر چه باشد باید استخراج و ترجمه شود ، اما از منابع فارسی آن قسمت که هنوز به چاپ انتقادی نرسیده است باید در اسرع وقت به وسیلهٔ سازمانهای انتشارات دولتی یا ملی نشر شود . اگر در کتابی حتی ده نکتهٔ تاریخی باشد برای روشن شدن زوایای تاریك تاریخ ملت کهنسال ایران، طبع و نشر آن حایز اهمیت بلکه ضرور است .

از مزایای کتاب ، چنانکه پیش از این اشاره‌کردیم ، سادگی نثر آن‌است . خوانندهٔ این تاریخ هرگزمواجه با عبارات والفاظ مغلق و پیچیده ومتکلف نمی‌شود ، بعلاوه مطالب با نظم خاصی در فصول گوناگون آمده و وقایع تاریخی باقید ماه و سال و گاهی روز درج گردیده است و به اصطلاح امروز کرونولوژی است، اما مؤلف در ضمن وقایع تاریخی ، جای جای همانند سایر کتب تاریخی ، از بیان قصص و داستانها و نیز پند و حکمت فرو گذار نکرده است و گاه بندرت افسانه نیز گفته است[1] .

مزیت دیگر این کتاب نثر ادیبانهٔ آن است که از زیور فصاحت و بلاغت عاری نیست ومطالب چنان تلفیق یافته استکه خواننده راملال نمی‌آورد.جملات کوتاه واستوار وطبیعی و خالی از تکلف و عبارت پردازی است . از این روکتاب حاضر را باید یکی از متن های کهن و اصیل فارسی به شمارآوردکه در حد خود نشان دهندهٔ سبك نثر قرن ششم هجری است و لغات تازه واصیل فراوان دارد ، از جمله به عنوان نمونه به چند واژه اشاره می‌کنیم :

**پایندان** (ص ۷۳) به معنی ضامن ، که در سایر متن های کهن نیز به همین صورت و نیز به صورت پایندانی (حاصل مصدر) دیده می‌شود .

۱ـ نظیر داستان دخمهٔ انوشیروان ، ص ۱٦۰ .

توکیل کردن ، در معنی باز داشت و توقیف کردن: فرمود تا در آن شب شیخ محمود را توکیل کردند ... (ص ٤٦٤) این واژه در گلستان سعدی نیز آمده: «اتفاقاً از او (خواجه) حرکتی در نظر سلطان ناپسند آمد ، مصادره فرمود و عقوبت کرد و سرهنگان ملك... در مدت توکیل او رفق و ملاطفت کردندی...» (چاپ فروغی، ص ٤١)که دراین عبارت نیز به معنی توقیف و بازداشت کردن است، و باید دانست که این معنی از فرهنگها ساقط شده است .

خصم ، در معنی اصلی یعنی طرف دعوی «نه دشمن» : بعد از آن رسول ـ (ص) ... علی را بگذاشت تا امانت مردم به خصمان باز سپارد «ص ٨٦» این واژه در متن های دیگر نیز آمده است .

شاهد ، در معنی معشوقه : «و شاهدی چون شیرین ، که به حسن مشهور جهان و افسانهٔ زمان بوده ، داشت (خسرو پرویز) «ص ٦٥» در فرهنگها این واژه به پسر زیبا رو و معشوق معنی شده است .

**رسم خط کتاب**

قدیمترین نسخه که در این چاپ (اساس) قرار داده شده است ، نسخه‌ای است متعلق به استاد مجتبی مینوی ،که به تشخیص دانشمند محقق آقای محمد ـ تقی دانش پژوه در حدود قرن ٩ و ١٠ کتابت شده است ، بنابر این اختصاصات قابل ذکری مربوط به رسم خط در این نسخه دیده نمی‌شود جز اینکه حروف پ ، چ و گ همه جا به صورت ب ، ج و ك آمده . ذالهای قدیم عموماً به صورت امروزی یعنی دال ضبط شده ، « به » حرف اضافه مانند متون کهن عموماً جز در موارد نادر، متصل به کلمهٔ بعدی تحریر شده ، اما در چاپ حاضر برای تسهیل خواندن خاصه برسر نامهای خاص جدا نوشته‌ایم .

در بیشتر جاها پس از مضاف یاءِ حرف اضافه ( به جای کسره ) آمده که از آثار رسم خط قدیم است ، چنانکه درقصص قرآن ( تفسیر سورآبادی ) مکرر به

چشم می‌خورد، از جمله : «تا روزی **زنی وی** درسرای نوحـه می‌کرد» (ص ۷۸) و رك : همین تفسیر ، ص ۱۹ ، ونیز مقدمهٔ آن ، ص بیست وپنج ، و مانند «زانوبندی اشتر» (= زانوبند اشتر ) (مجمل‌التواریخ والقصص، ص‌کو) و مانند : اندر مدتی سیصدو هفتاد سال (ایضاً ص کو) و مانند «چون ساعتی بود توقف‌کردم ، **خادمی‌او** درآمد ... (مقامات ژنده پیل‌ص ۳۵).

دراین کتاب مانند سایر کتب مشابه ، گاهی استعمال ناروا نیز دیده می‌شود مانند استمداد طلبیدن به‌جای«استمدادکردن» (ص‌۵۳) .

**نسخه‌های کتاب**

از تاریخ بناکتی نسخه‌های متعدد درکتابخانه‌ها یافت می‌شود که از ۳ نسخه در تصحیح و تنقیح چاپ حاضر بهره برده‌ام بدین‌قرار :

۱ ــ نسخهٔ خطی متعلق به کتابخانهٔ شخصی استاد مجتبی مینوی، کتابت شده درقرن ۹ یا ۱۰ به‌خط نسخ ، که فیلمی ازآن درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۵٤۳ ف موجود است . این نسخه با وجود اغـلاط و اشتباهات بسیار بخصوص در اعلام ، قدیمترین و اصیل‌ترین نسخه‌های موجود است و از این‌رو اساس این‌طبع قراردادهشده (رك : عکسهایی از صفحات همین نسخه دراین‌مقدمه) علامت این نسخه درطبع حاضر «م» است .

۲ــ نسخهٔ خطی متعلق به‌کتابخانهٔ ملی پاریس به‌شمارهٔ S : p . 210 «باوشه ۲۵۹» که عکسی ازآن درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به شماره‌های ۱٦٤۱ و ۱٦٤۲ موجود است ، کتابت شده به‌خط نستعلیق درمحرم سال ۱۰۱۳ ه ق . شامل ۲۰۹ برگ که هر برگ ۱۹ سطر است . مهر کتابخـانهٔ لارسنال l' Arsénal Bibliothèque برپشت برگ اول دیده می‌شود . نشانهٔ این‌نسخه «پ» است و ازآن به‌عنوان نسخهٔ دوم استفاده شده .

**آغاز**

الحمدلله حق حمده والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اما بعد چون حق جل وعلا توفیق رفیق این ضعیف و هو اضعف خلق‌الله تعالی ابوسلیمان بن داود ...

**انجام**

تمت‌الکتاب بعون‌الملك الوهاب بتاریخ شهرمحرم‌الحرام سنه ۱۰۱۳ ثلاث عشر والف من‌هجرة النبویة .

۳ ــ نسخهٔ خطی متعلق بکتابخانهٔ بادلیان (اکسفورد) کتابت شده احتمالاً درقرن ۱۱ یا ۱۲ ، که فیلمی از آن درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران بشمارهٔ ۹۹۵ ف و نیز عکس آن در ۳ جلد بشمارههای ۲۴۹۶ و ۲۴۹۷ و ۲۴۹۸ موجود است . این نسخه بخط نستعلیق زیبا وپخته در ۲۶۸ برگ وهر برگ شامل ۱۶ سطر نوشته شده . علامت نسخه «با» است و در طبع حاضر از صفحهٔ ۳۷۳ بهبعد ، ازاین نسخه بهره‌برده‌ام .

**آغاز**

الحمدلله حق حمده والصلوة والسلام علی‌خیر خلقه محمد وآله واصحابه و خلفائه ، اما بعد چون حق تعالی توفیق رفیق این ضعیف گردانید و هو اضعف عبادالله ابوسلیمان داودبن ابی‌الفضل البناکتی ...

**انجام**

جهان از عدل او آباد گردان		دل خلق جهان زو شاد گردان
ببخشش از فلك هرصبح‌وهرشام		دوام عمر و کام و نام و انعام

تمت‌الکتاب بتوفیق‌الله تعالی م .

بجز اینها نسخه‌های دیگری از قرنهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ موجود است ، اما

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله حق حمده والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین. اما بعد چون حق جل وعلا توفیق رفیق این ضعیف گردانید محتاج الی رحمة الله تعالی ابو سلیمان داود بن ابی الفضل محمد بن محمد البناکتی... ناگاه روزی از او... کتابی نوشته در خاطر آمد که در علم تواریخ و انساب که معظم کتب الهی و مصحف‌های درجمیع ادیان بدان مشحون است کتابی سازم مشتمل بر تواریخ و انساب عموم طوایف اهل عالم و بیان اختلاف تواریخ هر قومی از آدم و بیان مختلف و انساب مشاهیر انبیاء و آدم علیهم السلام و بخصوص سید المرسلین و خاتم النبیین محمد مصطفی علیه افضل الصلوة واکمل التحیات و شعب اولاد واهل بیت و خلفا و سلاطین و مشاهیر صحابه و تابعین و مشایخ طبقات و اصحاب حدیث و قرا و علماء دین و ملوک و خواقین و امرا و خوانین و سایر اقوام بنی آدم که از اقوال و احوال و حکایات ایشان که در هر کتابی دیدم و از هر مورخی و ... و تفحص و تبلیغ نموده بتخصیص از کتاب جامع التواریخ که بحکم پرلیغ سلطان ... خان نور الله مضجعه خواجه رشید الدین وزیر طاب ثراه از کتاب تاریخ اقوام عالم از هندو و ختا و مغول و افرنج و غیرهم از آن ممالک طلب داشته و جمع کرده بر وجه ایجاز باز نمایم از حضرت باری تعالی و تقدس اعانت خواسته آغاز کردم و از ابتدای عهد آدم الی یومنا که ایام دولت شاهنشاه الاعظم مالک رقاب الامم مجوز ممالک العالم ملوک سلاطین العرب والعجم سلطان علاء الدنیا والدین ابو سعید السلطان ...

عکس صفحهٔ اول از نسخهٔ «م» متعلق به استاد مینوی

ذات شریف و عنصر لطیف او را بر سر کافهٔ اسلام سایهٔ انعام در دولت و کامرانی و معدلت در جهانبانی پاینده و مستدام داراد بمحمد و آله

تعم

بخت و دولت همیشه جای تو باد / در بخت و اقبال در صفای تو باد

هر سعادت که در جهان باقیست / دائما آن همه برای تو باد

چون مه و مهر هر کجا که حضرت تست / پاسبانان در سرای تو باد

هر چه خواهی ز کردگار جهان / حاصل آن جمله بر رضای تو باد

ظفر و عز و دولت دائم / دایم از فضل پیشوای تو باد

تا بماند بنا ... دائم / همه عمر در پناه تو باد

بهتر از عمر نوح چون نیست / تا فنا پنج جهان بقای تو باد

سال ذال و یا و زا خاتمه الکتاب

بسال ... شوال / شد این دفتر تمام اندر ...

ز تاریخ ملوک و پادشاهان / ز حال نیکوان و نیک خواهان

ز آدم تا بعهد شاه ... / یکایک شرح هر یک می بداده

... زیشان چون امیر رفتند / اگر کوچک اگر ... شخص و گروه

از یشان در جهان جز بی نشان نیست / بجز نامی از ایشان در جهان نیست

چو می باید شدن زینجا بناکام / خنک آنکس کزو ماند نکو نام

چو بر عمر اعتمادی نیست خود نیست / ببخش و دانش و داد و دهش بخش

که نام نیک از ینها ماند / چنان کس را خود مردم نخواند

... و داد و عدل و داد و بخشش / ... مکرمت ارشاد ...

جهان بعدل او آباد گردان / دل خلق جهان زو شاد گردان

...ش از ملک ... صبح و هر شام / دوام و عمر و کام و نام و انعام

پایان

عکس صفحهٔ آخر از نسخه «م»

وزیر چنین باید که خدا ترس و پادشاه دوست و جهانبان و رعیت پرور بود تمام
نیک بوضعها یغما و راق ود و او دین نگارد و یادگار بگذارد و از آثار او بیضاء
شیراز است و از مشاهیر حکما سقراط عامل تلمیذ فیثاغورس و طیمارس و
جاماسب حکیم معاصر او بوده اند و مدت پادشاهی گشتاسب صد و بیست سال و گویند صد و
شصت سال بود. بهمن ابن اسفندیار چون پادشاه شد سیرت خوب و رسم نیکو
نهاد و عالم آبادان کرد و دین زردشت را قوت داد و اطراف جهان را بگرفت و قصد
سیستان کرد و تا بستان را خراب کرد و فرامرز را بکشت به بدار کرد و از آثار او در
فارس بند بهمن در کوار است و شهر بهاو جوم در پوشکان و دیمقراطیس حکیم و بقراط
طبیب معاصر او بوده اند و مدت پادشاهی او پنجاه سال و گویند صد و چهارده سال بود
شعر ایام عمر بهمن اگر چه بهار بود تغیر جور گردش افلاک تیره گشت
هر چند بود روشن چشم جهان بود هم عاقبت ز میل فنا چشم تیره گشت همای چهر
بهمن چون بهمن درگذشت او را دختری بود باکفایت و رای نام او همای او را ولیعهد
کرد و بهمن او را خواسته بود و او از بهمن حامله گشته بعد از نه ماه آن حمل بنهاد و پسری
زاد که در جمال رشک لعبتان روضه رضوان بود همای ترسید که اگر این پسر را آشکارا کند
کار از دست وی برود چنان نمود که آن حمل که در وقت بهمن بود علتی بود فرو شد نبود
پس بفرمود تا صندوقی بساختند و او را در آنجا نهادند با چند صره زر و جواهر
یاقوت قیمتی در آب انداختند اتفاقا گازری آن صندوق را بگرفت و بخانه برد و
در آن چند روز او را بچه طفل نمانده بود گازر و زن او را پرورش کردند و دارابش نام نهادند
چون بزرگ شد روزی گازر را گفت که مرا گمان می آید که تو پدر من نیستی و مرا پدر
از تو بزرگتر باشد از بهر آنکه من در خود همتی می بینم که مناسب منصب تو نیست گازر گفت
چه زیان دارد که گوهر نتیجه سنگ است و ابریشم فرزند پیله است و شهد که غذای جان است

عکس صفحهٔ دیگر از نسخهٔ «م»

چون این نسخ چندان اهمیتی نداشتند مورد استفاده قرار نگرفتند و به همین سبب از شرح خصوصیات آنها چشم‌پوشی شد .

## روش تصحیح

این‌چاپ بر پایهٔ نسخهٔ «م» ومقابله بانسخه‌های پ و با تصحیح شده، اماچون هیچیك از نسخه‌ها عاری از اغلاط و اشتباهات، خاصه‌دراعلام ، نبود ، ازاین‌رو با مراجعه به‌مآخذ معتبر عربی و فارسی صورت صحیح کلمات و اعلام درج‌گردید ، و برای سهولت استفادهٔ خوانندگان همهٔ سنوات تاریخی‌که به عربی مندرج بود با رقم در داخل پرانتز توضیح داده شد . بااینهمه مواردی لاینحل یامشکوك مانده یا اساساً کلمه ناخوانا بوده است که این موارد با نشانهٔ پرسش مشخص‌شده است .

ضمناً برای مزید فایدت ، فصل ششم ازکتاب حاضر را با تاریخ افرنج از کتاب جامع‌التواریخ رشیدی‌که جداگانه به‌تصحیح کارل‌یان چاپ‌شده است مطابقت دادیم وضمیمهٔ کتاب‌کردیم . این‌ضمیمه بسیاری ازدشواریهای اعلام تاریخ فرنگ را روشن می‌سازد ومحققان را در تحقیق اعلام به‌کار می‌آید ، و پیداست که درج اینهمه اختلافات درحواشی کتاب خواننده را سردرگم می‌کرد ونتیجهٔ مطلوب را نمی‌داد وبه‌همین سبب به پایان کتاب الحاق شد .

براهل‌فن پوشیده نیست‌که‌تصحیح وچاپ‌کردن چنین‌کتابی‌که تاریخ‌عمومی عالم است و اعلام گوناگون فراوان و غیرمأنوس، خاصه به‌سبب احتواء به‌تاریخ چین و هند ومغول و یهود ، دارد و نسخهٔ منقحی هم از آن به دست نیست تا چه اندازه دشوار است . باآنکه نگارنده درتحقیق نامها و جزآن به‌قدر وسع وطاقت کوشیده (که‌حواشی متعدد نمایندهٔ این امراست) ، بیقین این‌طبع ازاشتباه و خطا بدور نیست ، امیدوارم که خوانندگان دانشمند درهرجا که به‌اشتباهی برخوردند از راه لطف ومرحمت نگارنده را آگاه سازند تا به‌هنگام‌تجدید چاپ‌اصلاح‌شود.

در تصحیح این کتاب ، چنانکه اشاره کردم ، دشواریهای فراوان برسر راه بود،امایاری بیدریغ‌استادان‌ودوستان‌دانشمندسبب‌شدکه‌ازمشکلات‌وموانع‌نهراسم؛

و در نتیجه کتابی گردآلود و تیره‌رنگ از تاریکخانهٔ نسخه‌های عکسی که بلااستفاده مانده و درگوشه‌ای غنوده بود، پرده برانداخت و به‌صورت اثری منقح نمایان شد و به‌محققان فن تاریخ عرضه گردید. استاد مجتبی مینوی علاوه بر نسخهٔ خطی ایشان که از طریق عکس موجود در کتابخانهٔ مرکزی از آن استفاده شد، نسخهٔ خطی دیگری مرحمت کردند که در برخی موارد از آن بهره بردم، دوست دانشمند، استاد کتابشناس آقای محمدتقی دانش‌پژوه در قدم اول به‌یاریم شتافتند و دربارهٔ نسخه‌های موجود از تاریخ بناکتی، راهنماییهای سودمند کردند. دوست عزیزم آقای محمدحسین صدرعضدی زحمت استنساخ کتاب و تصحیح مقداری از نمونه‌های مطبعی و دوست گرامی آقای محمد تقی‌زاده فارغ‌التحصیل فوق‌لیسانس رشتهٔ ادبیات فارسی دانشسرای‌عالی تصحیح بقیهٔ نمونه‌ها را تحمل کردند، و تهیهٔ فهرست را که کار بسیار پرزحمتی بود جوان فاضل‌دقیق آقای مهدی‌مداینی برعهده داشت، سپاسگزاری از همهٔ ایشان بر بنده فرض است.

مشوق اصلی نگارنده در اقدام به‌تصحیح و نشر کتاب، دانشمندگرامی و استاد بزرگوار جناب آقای علی اصغر حکمت رئیس هیئت مؤسسین انجمن آثار ملی هستندکه همیشه منبع خیر بوده و در اشاعهٔ فرهنگ و نشر مواریث علمی وادبی کشور کوشیده‌اند، بذل توجه ایشان به این اثرموجب امتنان است. بانی نشراین کتاب انجمن آثارملی است‌که ریاست هیئت‌مدیرهٔ آن باتیمسارسپهبد آق‌اولی است. ایشان با سعهٔ صدری که دارند طبع این کتاب رادر جزو انتشارات انجمن مقرر داشتند، و بی‌یاری و مساعدت‌چنین انجمن شریفی هرگز امید نمی‌رفت‌که کتابی ازمواریث کهن ادب و تاریخ ایران بدین‌سان پاکیزه و منقح در دسترس طالبان تحقیق قرار گیرد و بالله‌التوفیق.

**ابان ماه - ۱۳۴۸**

**جعفر شعار**